



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
شنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۴ - ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷
سال بیست‌وهفتم - شماره ۷۴۲۷ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

سر مقاله
غلامرضا صادقیان / سردبیر

روشنفکر ایرانی مرده به دنیا می‌آید!

روشنفکر ایرانی از همان آغاز مرده به دنیا می‌آید، و لاجرم مرده زبست می‌کند. مفهوم این ادعا با یک مثال عینی بهتر درک می‌شود. گاهی یک هنرمند یا شخصیتی داریم (مرحوم تقوایی را در این مقطع در ذهن دارم) که روشنفکر ایرانی او را اهمیت می‌دهد، دوست دارد، پای او می‌ایستد، به دیگران به‌خاطر کم‌توجهی به آن هنرمند، حمله‌ور می‌شود، گویی همه چیزش همان هنرمند و شخصیت است (اصولاً روشنفکر ایرانی شخصیت‌پرست است) اما در نهایت وقتی آن هنرمند یا شخصیت از دنیا می‌رود، روشنفکر ایرانی در مراسم تشییع و ختم او شرکت نمی‌کند! شاید کسی در دفاع از این عمل آنان مدعی شود که روشنفکر ممکن است به مرگ چنان‌گذر به حیات تازه‌تر نگاه نکند و آن را نابودی ابدی بشمرد باند و لذا با این فرض، کسی که می‌میرد، ذکر و فکرش دیگر چه اهمیتی دارد؟! اگر چنین باشد، این قابل تطبیق و تقلیل به زمان حیات هر انسانی هم هست، که چیز فاجعه‌باری است.

در تازه‌ترین رخداد، ناصر تقوایی، هنرمند مؤلف و خاص در ۸۴سالگی از دنیا رفت. او خالق سینمایی‌ها، مستندها و نوشته‌های ادبی با ارزشی است که فقط «خدا خورشید» او در نظرسنجی‌ها بارها در صدر بهترین سینمایی تاریخ ایران ننشته است. عاشق ایران بود و البته از ضوابط وزارت ارشاد هم نراضی بود و دوست نداشت که کارش نظارت یا چون‌وچرا شود. عموم دستداران او نیز با همین محور تأسف می‌خوردند که فرصتی نشد تا آثار ماندگار بیشتری بسازد و به ناظران و ضابطان حمله‌ور می‌شدند. اما همین‌ها به مراسم ختم او نرفتند! حاضران از غیبت چشمگیر مردم و کارگردانان و بازیگران سینما و حتی کسانی که پیش او شاگردی کردند و از او آموختند، نوشتند و تأسف خوردند. مراسم مرحوم تقوایی بدون شعار دینی معروف و با نواختن سنج و دهل و کف‌زدن، پوشیدن لباس سفید با پاپیون (نماد صلیب)، و تشییع درون تابوت (شبیه مسیحیان) برگزار شد و فرصت خوبی بود تا روشنفکر ایرانی با حضور گسترده در این مراسم، نشان دهد که با این مراسمات موافق و همسو است، اما تنبلی، محافظه‌کاری، ترس‌بودن، نان‌خوری به نرخ روز (این‌جا فکر نانی که در آینده می‌توان خورد)، حسادت، روح مرده و نداشتن تعصب و تحرک مانع آن می‌شود که حضور پرشور داشته باشند. عجیب آنکه اغلب با تفکر و کلیدواژه‌های جامعه‌شناسانه‌سخن می‌گویند اما در هیچ‌یک از اجتماعات مردمی - چه مذهبی، چه ملی، چه خودجوش‌ها - شرکت نمی‌کنند. حتی در انتخابات‌ها هم حضور ندارند، یا کم دیده می‌شوند. ممکن است بگوییم سازوکار انتخابات را قبول ندارند، اما حتی وقتی از آن اجتماعاتی که دوست دارند و آرزویش را می‌کنند هم رخ می‌دهد، کف خیابان اثری از آنان نیست!

در حوزه فلسفه، نقدی به روشنفکران ایرانی وارد می‌شود که «به آثار یکدیگر بی‌اعتنا هستند» و درباره دلایل آن از حسادت گرفته تا محافظه‌کاری تا خودکم‌بینی فرهنگی، و غریزده‌گی (با تا تعبیری که نخواهد نامی از جلال در آن باشد «آشنایی با بیگانگی که مسا را دلیلی توانایی‌های خود کرده‌اند»، نام برده می‌شود، یعنی روشنفکر ایرانی نه اینکه فطرتاً بی‌اعتنا به آثار هم‌ترازان خود باشد، بلکه در فرایندهای اجتماعی و البته سیاسی چنین آموخته است که فقط به آثار بیگانه کرنش و تواضع کند نه به آثار دیگر روشنفکران ایرانی. چنین است که در صفحات بسیاری از روزنامه‌ها عکس مرحوم تقوایی «تمام‌صفحه» کار می‌شود اما همان روزنامه‌نگار اگر چه اکنون و در زمان مرگ به یاد او افتاده حاضر به حضور در مراسم تشییع او نیست.

تحلیل پیمایی که آقای خاتمی برای در گذشت تقوایی داده است، نیز بی‌فایده نیست. ایشان می‌نویسد: «هر سینه‌ای است که چرا این سرمایه‌ها آثار انتشار یافته ادبی و سینمایی تقوایی ا چه در رژیم گذشته، چه در سامان و نظام تازه، از دسترس جامعه دور مانده است و حال این محرومیت تا چه حد به خاطر سامان و سازمان مدیریت و سیاست و فرهنگ جامعه بوده است؟ و تا چه اندازه حاصل سخت‌گیری و مشکل‌پسندی خود استاد تقوایی؟». خب! آقای خاتمی حساب کتاب کرده است که اگر در پیمایش بخواهد منتشر نشدن برخی آثار تقوایی را نقد کند، پای خودش هم در میان است، بنابراین بازی با واژه‌ها را بر گزیده و به جای وزارت ارشاد که ۱۰ سال در سه دولت پیاپی وزیر آن بوده و هشت سال ریاست‌جمهوری که نهاد بالادست وزارت ارشاد است و مسئولیت‌های فرهنگی دیگر، از واژه «سامان تازه» بهره برده است. نتیجه اینکه آن شجاعت و صداقت روشنفکران ما ساری و جاری است و به هر کس که از نزدیک آنان رد شود، سرایت می‌کند!

روشنفکر ایرانی از کف خیابان، از مردم، از تبادل اندیشه و اهمیت‌دادن به آثار هم‌ترازان ایرانی خود، از حضور در مراکز علمی و نظامی و آشنایی با واقعیات این مراکز، از رفتن به کنج شهر و روستا دور است و خودش را محروم کرده است. منزوی است و گوشه‌نشین. در اتاقی تنها زبست می‌کند. فکرش در حصار آن اتاق است اما برای هر چیزی خارج از اتاق ایده دارد! مراسم کارگردانی که سازوار بود هر کس در سینما نقشی دارد، زیر تابوت او را می‌گرفت، نشانی از این مرده‌بودن روشنفکر ایرانی است.



ترمیناتورهای برجام

اروپاییان مانند ربات‌هایی که از آینده آمده‌اند، مانع از تکمیل فرایندی شدند

که امروز ۲۶ مهرماه باید به عادی‌سازی پرونده هسته‌ای ایران منجر شود | صفحه ۱۵

مکانیسم ماشه را دیروز انکار کرد، امروز توجیه!

محمد جواد ظریف مشخصاً از حرف لاوروف عصبانی شده و انتقام آن را با دروغ و دلنگ از مردم و کشور و نظامی‌هایش می‌گیرد. ما هم می‌گوییم لاوروف دروغ گفته که ظریف خودش ماشه را پد گرفت، خودش را چه کنیم که گفتنی مکانیسم ماشه در برجام نیست؟! حالا ظریف مدعی شده است که روس‌ها دو خط قرمز دارند، یکی اینکه ایران با دنیا از تباط نگیرد، دیگر



■ خانم وزیر بعد از تلاش یک سرباز مأمور برای بازرسی کیفش در فرودگاه اردبیل، با عصبانیت از فرودگاه خارج می‌شود و می‌گوید «در این فرودگاه را گل می‌گیرم!» نکشی همه ما را خانم وزیر! کل کشور را میبادا گل بگیرد با این حب نفس و تکبر! چهار صباح قبل کجا بودید که حالا یکباره دنبال گل گرفتن اید؟! ظرفیت نفس‌تان را بالا ببرد. از نهج‌البلایعه مولا که در دولت بر سر دست است، بیاموزید که آله‌الریاسة السعة‌الصدر | صفحه ۴



علیرضا محصولی، نویسنده فیلمنامه «مجنون» در گفت‌وگو با «جوان»:

«مجنون» قصه انتخاب میان عشق و مرگ است

■ محصولی: برای پروژه شهید زین‌الدین چند نفر پیش از من طرح‌های ارزانه داده بودند، اما دوستان سازمان اوج یا توجه به فیلمنامه‌هایی که از من خوانده بودند تصمیم گرفتند نگارش متن نهایی را به من بسپارند. من که آرزوی ۱۰ساله کار در موضوع دفاع مقدس را داشتم بلافاصله قبول کردم و بعد از خواندن طرح‌ها پیشنهاد دادم طرح خودم را برای این شهید بنویسم که با موافقت دست‌اندرکاران مشغول کار شدم. پژوهش بخش اصلی کار بود. علاوه بر مطالعه منابع مکتوب و تاریخ شفاهی، آرشیو مستندها و شنیدن مصاحبه هم‌زمان شهید را مرور می‌کردم و حتی صوت بی‌سیم‌های عملیات‌های مختلف را گوش می‌دادم، به طوری که صدای فرماندهان برایم آشنا شده بود و تشخیص می‌دادم این صدای کدام شخص است | صفحه ۱۰

یادداشت سیاسی

شیوانوروری / خبرنگار گروه ورزشی

«در بی» برای مجلس مهم‌تر از مردم و فوتبال‌ی‌هاست!

محل برگزاری دربی فوتبال پایتخت در حالی به مهم‌ترین چالش این روزهای فدراسیون، سازمان‌لیگ و البته برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی تبدیل شده که دیگر کشور‌های آسیایی جواز ای‌اف‌سی را درو کردند. نه به اینکه فدراسیون همیشه دم از استقلال در تصمیم‌گیری می‌زند و نه به اینکه چند نماینده فوتبال دوست مجلس و وزیر ورزش محل برگزاری مهم‌ترین بازی لیگ‌برتر فوتبال را تعیین می‌کنند | صفحه ۱۳

یادداشت سیاسی

وحید عظیم‌نیا / دبیر گروه اقتصادی

دولت گزارش عملکرد بدهد

«ساروی طلا خوابیده‌ایم اما گرسنه‌ایم. مقصر ما مدیران، مسئولان، سیاستمداران و قانونگذاران هستیم، مقصر آمریکانیست». این بخشی از تازه‌ترین اظهارات رئیس قوه مجریه است. با بخش نخست این سخنان که به درستی بار اصلی مسئولیت وضعیت موجود را بر دوش مدیران و مسئولان داخلی می‌گذارد، نمی‌توان مخالفتی داشت، اما بخش دوم آن، یعنی نادیده گرفتن کامل نقش تحریم‌ها و عوامل خارجی، محل تأمل است | صفحه ۴

یادداشت سیاسی

سیدعبدالله متولیان

تغییرات بنیادین در هندسه قدرت در غرب آسیا

در یک دهه اخیر آنچه به‌عنوان «خاورمیانه جدید» توسط آمریکا و متحدانش با هزینه ۸ تریلیون دلاری طراحی شد، کم‌کم در هم شکسته می‌شود. پروژه‌هایی مثل پیمان ابراهیم، معامله‌قرن و طرح‌های نظامی خود هستند. پس از نهایی شدن اسنپک، ندارند. در عوض، نظمی تازه در حال شکل‌گیری است: نظمی مبتنی بر مقاومت، گفت‌وتمان عدالت و قدرت مردمی، الگویی که ایران به‌عنوان طراح آن ظهور کرده است | صفحه ۲

یادداشت سیاسی

حمیدرضا شاه‌نظری

بازی ظریف با منافع ملی

«سنپک»! این روزها به جنگالی تبدیل شده است که نه فقط اختلافات سیاسی را بر جسته می‌کند، بلکه پرده از ایسن واقعیت برمی‌دارد که جریانات غرب‌گرا با ایجاد شکاف‌های عمیق در فضای سیاسی کشور در پی اهداف باندى خود هستند. پس از نهایی شدن اسنپک، کشمکش دیپلماتیک بین محمدجواد ظریف و سرگئی لاوروف، به صحنه‌ای بدل شده که در آن تضاد منافع و تناقض‌های رفتاری به نمایش گذاشته می‌شود | صفحه ۲



تکاوری با ۹ میلیون و بانكداری با ۹۲ میلیون!

مدتی پیش عکس یک فیش حقوقی از یک کارمند بانسک دی ایلام در فضای مجازی منتشر شد که ۹۲میلیون تومان حقوق و مزایا در یافت می‌کند و ۴/۵میلیارد تومان وام دریافت کرده که مجموع اقساط آن فقط ۱۴ میلیون تومان است. نکته جالب‌تر اینکه مبلغ یکی از وام‌ها ۱/۵ میلیارد تومان با اقساط ماهانه ۲ میلیون تومانی است. بعد از این اتفاق یک فیش حقوقی دیگر نیز منتشر شد که نشان می‌داد مجموع حقوق خالص شهید علی مرادی از گردان تکاور تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) سپاه ماهانه ۹میلیون تومان بوده است. این مقایسه واکنش‌های زیادی را در فضای مجازی برانگیخت

ویژه جوان

تمسخر دوباره نظامیان از دهان شایعه‌ساز ایزدی

فؤاد ایزدی، برای بار چندم به تمسخر فرماندهان نظامی و عملکرد آنان در مقابل اسرائیل و آمریکا پرداخت. او اخیراً با لیخند تمسخر آمیز و گفتن این عبارت که «خبری هست امیدوارم درست نباشه اما گفته شده»، درباره این خبر می‌گوید: «قبل از حمله امریکایی‌ها به قطر، آنها به طرف ایرانی گفته‌اند که ما حمله می‌کنیم و شما هم در پاسخ یک پایگاه امریکایی را بزنید. جالب اینکه به ما گفتند که بگوییم کدام پایگاه را هم می‌خواهیم بزنیم!» | صفحه ۲

۳

ضرر ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی طلاق‌ها بر بیت‌المال!

●مسئولگریندی / خبرنگار گروه اجتماعی

■ معاون فرهنگی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها گفته هر طلاق برای دولت، حداقل ۵۰۰ میلیون تومان هزینه مستقیم و غیرمستقیم دارد. اگر این رقم را ضرب در حدود ۲۰۰ هزار طلاق در سال کنیم، به عددی می‌رسیم که سرسام‌آور است، چیزی حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان. عددی که به‌راحتی می‌تواند چرخ چند وزارتخانه را بچرخاند!

۱۴

چرخه مرگبار «خودروهای شوتی» همچنان ادامه دارد

●حسین‌فصیحی / دبیر گروه حوادث

■ استوار دوم سجداد صیامی، مرزبان هنگ مرزی نگور، در جریان مقابله با خودروهای شوتی به شهادت رسید. او آخرین قربانی این مسیر پرخطر است، اما قطعاً آخرین نخواهد بود. دو سال پیش فرمانده پلیس فراجا برای توقف این چرخه مرگبار از شورای امنیت کشور درخواست کمک کرده، اما تاکنون پاسخی دریافت نکرده‌است. این بی‌توجهی نشان می‌دهد که حل بحران شوتی‌ها صرفاً با اقدامات سلبی پلیس امکان‌پذیر نیست و جان مدافعان امنیت همچنان در خطر است

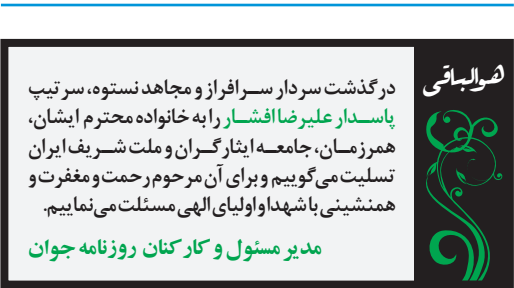
۱۲

کاهش ۵/۶درصدی قیمت مسکن در برابر رشد سالانه ۷۰درصدی!

۱۶

با ساخت مستند «نوزده نوزده» نقدی غیرمستقیم به برجام زده شد

■ مهدی صلواتچی، کارگردان مستند «نوزده نوزده» به تهیه‌کنندگی محمدرضا امامقلی در گفت‌وگو با جوان درباره این اثر که در پلنفرم فیلمبو عرضه شده است، گفت: این مستند درباره قرارداد ۱۹۱۹ است، قراردادی که در اواخر دوره قاجار میان ایران و انگلستان بسته شد. در آن مقطع، کشور پس از جنگ جهانی اول با مشکلات بسیاری مواجه بود، از جمله قحطی، بحران سیاسی و نوعی تحریم اقتصادی. این قرارداد در ظاهر قرار بود به کشور کمک کند تا از طریق یک سیاست جدید، از مشکلات عبور کند و شرایط قحطی از میان برود



در گذشت سردار سرفراز و مجاهد نستوه، سر تیپ پاسدار علیرضا افشار را به خانواده محترم ایشان، هم‌زمان جامعه ابتکارگران و ملت شریف ایران تسلیت می‌گوییم و برای آن مرحوم رحمت و مغفرت و همنشینی با شهدا و اولیای الهی مسئلت می‌نماییم.

مدیر مسئول و کارکنان روزنامه جوان